

اگر والدینم می دانستند

(اشتباهات والدین در تربیت فرزندان)

مؤلف

مبینا عسگری



روان آگاه

محتوا

۹.....	فصل اول: کلیات و مفاهیم
۱۲.....	الگوهای فرزند پروری
۱۲.....	الگوی آدلر
۱۴.....	الگوی شیفر
۱۵.....	الگوی وینتر باتم
۱۶.....	نظریه بامریند
۱۶.....	سبک‌های فرزند پروری بامریند
۲۱.....	تعامل با کودک؛ چه روش‌هایی را به کار ببریم؟
۲۲.....	اصلاح سبک فرزندپروری والدین
۲۵.....	کلیدهای تأثیرگذار در تعامل والدین با فرزندان
۲۹.....	ناسازگاری، خانواده، اختلاف
۳۰.....	والدگری چیست؟
۳۲.....	عوامل موثر بر والدگری
۳۴.....	کارکردهای آموزش والدگری

- دستورالعمل آموزش والدگری..... ۳۵
- والدگری و آموزش روانشناختی کودکان..... ۳۷
- فصل دوم: نقش والدین و رشد شخصیتی کودکان ۳۹**
- پرورش شخصیت..... ۴۲
- عوامل موثر بر شخصیت کودک..... ۴۴
- شیوه تربیتی والدین..... ۴۴
- جایگاه سنی کودک در خانواده..... ۴۵
- تک فرزندی..... ۴۸
- تعداد اعضای خانواده..... ۴۸
- روابط فرزندان خانواده..... ۴۹
- نکات طلایی پرورش شخصیت کودکان..... ۵۰
- پرورش شخصیت کودکان در مدرسه..... ۵۴
- سن حساس شکل‌گیری شخصیت کودکان..... ۵۵
- شخصیت کودکان در چه سنی شکل می‌گیرد و بدو تولد چه تأثیری در این روند دارد؟..... ۵۵
- شخصیت کودکان در چه سنی شکل می‌گیرد و اراده چه زمان تثبیت می‌شود؟..... ۵۶
- عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت کودکان..... ۵۷
- نقش رفتار والدین در شکل‌گیری شخصیت کودکان..... ۵۷
- عوامل موثر بر رشد پرورش شخصیت دانش‌آموزان..... ۵۹
- دانش‌آموزان رشد یافته اجتماعی دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟..... ۶۰
- محیط خانواده..... ۶۰

محیط مدرسه.....	۶۱
نقش مدرسه در شکل‌گیری شخصیت کودک.....	۶۱
اثرپذیری کودک از فضای فیزیکی، روانی و آموزشی مدرسه.....	۶۱
الگوپذیری کودک از مسئولین و معلمان مدرسه.....	۶۲
معاشرت کودک با همسالان خود در محیط مدرسه.....	۶۳
ارتباط موثر خانواده و نهاد آموزشی مدرسه.....	۶۳
فصل سوم: اگر والدینم می‌دانستند.....	
آگاهی از خواسته‌های کودکان از والدین.....	۶۵
۱. من با تماشای تو یاد می‌گیرم. برای من الگوی خوبی باشید.....	۶۵
۲. من را در آغوش بگیرد و ببوسید. نمی‌توانید با مهربانی مرا لوس کنید.....	۶۶
۳. مغز من هنوز در حال رشد است و بنابراین در یادگیری کند هستم.....	۶۶
۴. همیشه در هر شرایطی کنارم باشید.....	۶۷
۵. با من گفتگو کن. فقط با من حرف نزن.....	۶۷
۶. گاهی اوقات من فقط می‌خواهم بدون قضاوت یا سخنرانی شنیده شوم.....	۶۸
۷. آنچه هستم را بپذیر. مدام مرا با بچه‌های دیگر مقایسه نکن.....	۶۸
۸. اجازه دهید من زیاد بیرون بازی کنم.....	۶۹
۹. غذای مقوی و خوشمزه به من بدهید.....	۶۹
۱۰. لطفاً به من اعتماد کنید.....	۷۰
۱۱. ستایش شما برای من بسیار مهم است.....	۷۰
اشتباهات والدین در تربیت فرزندان.....	۷۰

- رفتارهای اشتباه والدین در تربیت فرزندان..... ۷۱
- اشتباهات والدین در تربیت کودک..... ۷۳
- اشتباهات والدین در برخورد با نوجوانان..... ۷۶
- ۱- عدم شناخت دنیای نوجوانان..... ۷۶
- ۲- تمرکز بر مسائل پیش پا افتاده به جای مسائل جدی..... ۷۷
- ۳- عدم حفظ فضای خصوصی نوجوانان..... ۷۷
- ۴- نمرات خوب به معنای نوجوان خوب نیست..... ۷۸
- ۵- تناقض رفتاری بین پدر و مادر..... ۷۸
- ۶- عدم مشارکت نوجوانان در تصمیم‌گیری‌ها..... ۷۸
- ۷- دوست نبودن با نوجوان..... ۷۹
- ۸- عدم آماده‌سازی فرزندان برای دوران نوجوانی..... ۷۹

- فصل چهارم: والدین و تبعیض بین فرزندان**..... ۸۱
- سبک والدگری اصولی برای تربیت کودک و نوجوان..... ۸۵
- انضباط مثبت در فرزندپروری چیست و چه اصولی دارد؟..... ۹۱
۱. قاطعیت و مهربانی در انضباط مثبت..... ۹۳
۲. جایگزین کردن روش آگاهی‌دادن و ایجاد فرصت‌های یادگیری از اشتباهات، به جای استفاده از تنبیه در انضباط مثبت..... ۹۳
- آموزش والدگری بر تعارض والدین و نوجوان..... ۹۴
- منابع**..... ۹۹

فصل اول

کلیات و مفاهیم

رابطه والدین با فرزندان یا فرزند پروری¹ در گذر از اعمالی است که اهداف گوناگونی را در بر دارد. تربیت اخلاقی و روانی، شناسایی، رشد و پیشرفت استعدادهای فرزندان، آموزش مهارت‌ها، آشنا کردن با قوانین و هنجارهای جامعه از دید والدین، از جمله این اهداف می‌باشند. پارسنز نیز دو کارکرد اساسی یعنی اجتماعی کردن و شکوفایی شخصیت فرزند را برای خانواده در نظر می‌گیرد. این‌گونه اهداف والدین که شامل تمام فعالیت‌ها و اعمالی می‌شود که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم ارتباط آن‌ها را با فرزندان در رفتارهای روزمره نشان می‌دهد که تحت عنوان فرزند پروری یا رابطه آموزشی مطرح می‌باشد. این فعالیت‌ها بر طبق نظریه عمل بورديو جامعه‌شناس معاصر فرانسوی توسط نیروهایی هدایت و یا کنترل می‌شوند که این نیروها به صورت یکسان و به یک اندازه نزد انسان‌ها از جمله والدین وجود ندارد. این نیروها در ارتباط با وضعیت اقتصادی اجتماعی و فرهنگی خانواده می‌باشند. هم‌چنین تصویری که والدین از فرزندان خود دارند، تأثیر بر روی چگونگی نوع روابط یعنی شیوه‌های فرزند پروری نیز دارند. تصورات نیز تحت تأثیر طبقه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فرد (سرمایه‌های فرهنگی) می‌باشند. تصورات و فرهنگ فرد، یعنی عادت واره، هر دو عامل به صورت مستقیم و

1 Parenting Styles

غیرمستقیم اعمال فرد را هدایت و کنترل می‌کنند. در این پژوهش، فرهنگ و تصورات والدین و نقش فرزند، هدایت‌کننده رفتارهای آن‌ها از جمله نوع رابطه با فرزندانشان می‌باشند (یسلدیک^۱ و همکاران، ۲۰۲۰).

فرزندپروری فعالیت پیچیده‌ای شامل روش‌ها و رفتارهای ویژه است که به طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد. در واقع پایه و اساس شیوه فرزندپروری مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است. تقریباً همه والدین از این که همه فرزندانشان چگونه باشند، یک تصویر آرمانی می‌سازند و برای سوق دادن فرزند به سوی این هدف (تصویر آرمانی) روش‌های زیادی را مورد آزمایش قرار می‌دهند فرزندان خود را تشویق یا تنبیه می‌کنند، برای آن‌ها سرمشق و الگو ارائه می‌دهند، انتظارات و باورهای خودشان را توضیح می‌دهند و سعی می‌کنند فرزندانشان را به مراکز آموزشی و تربیتی خاصی بسپارند و برای آن‌ها دوستانی انتخاب کنند که با اهداف و ارزش‌های آن‌ها هماهنگ باشند (بخشی و درودی، ۱۴۰۲).

کودک مدل رفتار خود را از نمونه افرادی انتخاب خواهد کرد که در محیط زندگی او در دوروبر او بسر می‌برند و او در این انتخاب فقط تحت تأثیر تقلید خویش است. عقل و خرد او به میزان کافی رشد نکرده‌اند تا او بتواند آن‌ها را موردسنجش و ارزیابی قرار دهد و بهترین را برگزیند. در ضمن باید تعلیمات و آگاهی‌های او هم به درجه‌ای نیست که بتواند به‌گزینش ملاک و معیاری اقدام نماید. کودکی با چنین وضع عقلانی و با چنین درجه از آگاهی در برابر نقش‌های متعدد اخلاقی، فرهنگی، اقتصادی، مهر و عاطفه و رفتار و کردار والدین قرار می‌گیرد و می‌خواهد شیوه زندگی خود را از آنان بیاموزد و بر اساس نیک و بد رفتارشان گام بردارد و به‌پیش رود. طبیعی است که همه آنچه را که کودک می‌بیند برای او درس و مدل است، والدین از نخستین و مهم‌ترین مدل‌های مورد تقلید کودک می‌شوند. صفات اجتماعی کودک از آنجا کسب می‌شود و از طریق هم‌بستگی‌ها، انس‌ها، درگیری‌های والدین درمی‌یابد که چگونه باشد و این

^۱ Ysseldyk, R

سعادت و یا در مواردی مرضی است که دامن‌گیر همه کودکان از خانواده‌های فقیر و ثروتمند خواهد شد. کانون خانواده از این دید کانون بسیار مجهزی است یادگیری‌ها در آن دوره از هر گونه پیچیدگی و به‌گونه‌ای بسیار ساده و طبیعی هستند و کودک نمی‌تواند از تأثیرپذیری‌های خانواده دور و برکنار بماند (ژانگ^۱ و همکاران، ۲۰۱۷).

خانواده پایه‌گذار بخش مهمی از سرنوشت ما است و در تعیین سبک و خط‌مشی زندگی و آینده، اخلاق، صحت و سلامت روانی‌مان نقش بزرگی بر عهده‌دارد. رشد عاطفی و سلامت روانی کودک به خانواده و محیط خانوادگی بستگی دارد. خانواده نخستین پایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط را فراهم می‌کند. کودک در خانواده نگرش‌های اولیه را درباره جهان فرامی‌گیرد، از لحاظ جسمی و ذهنی رشد می‌یابد، شیوه‌های سخن گفتن را می‌آموزد، هنجارهای اساسی رفتار را یاد می‌گیرد و سرانجام نگرش‌ها، اخلاق و روحیاتش شکل می‌گیرد و اجتماعی می‌شود. یکی از مهم‌ترین مباحث در این حوزه فرزند پروری نامیده می‌شود. اصطلاح فرزند پروری از ریشه پریو^۲ به معنی زندگی‌بخش گرفته شده است. فرزند پروری، به شیوه غالب بر تربیت فرزندان از سوی والدین اشاره دارد و بر چگونگی رشد و تکوین شخصیت کودکان تأثیر به‌سزایی دارد. سبک فرزند پروری مجموعه‌ای از نگرش‌های والدین نسبت به فرزندان است که منجر به ایجاد جو هیجانی می‌شود که در آن جو رفتارهای والدین بروز می‌نماید. این رفتارها هم‌دربرگیرنده رفتارهای مشخص (رفتارهایی که در جهت هدف والدین است) که از طریق آن رفتارها، والدین به وظایف والدینی‌شان عمل می‌کنند (اشاره به رفتارهای فرزند پروری دارد) و رفتارهای غیر مرتبط باهدف‌های والدینی است که شامل ژست‌ها، تغییر در تن صدا یا بیان هیجان‌های غیرارادی می‌باشد. درواقع فرزندپروری فعالیتی پیچیده و دربرگیرنده رفتارهای خاصی است که فرزند را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سبک‌های فرزند پروری یا شیوه‌های تربیتی والدین بر بروز نابهنجاری‌های

۱ Zhang R

2 pario

رفتاری فرزندان اثرات قابل توجهی دارد. نقش کیفیت رفتار والدین بر عملکرد تحصیلی، روابط با همسالان و سازگاری در دوره نوجوانی مشخص شده است (وارد^۱، ۲۰۱۵).

سبک فرزند پروری مجموعه‌ای از نگرش‌های والدین نسبت به فرزندان است که منجر به ایجاد جو هیجانی می‌شود که در آن جو رفتارهای والدین بروز می‌نماید. این رفتارها هم در بر گیرنده رفتارهای مشخص رفتارهایی که در جهت هدف والدین است که از طریق آن رفتارها، والدین به وظایف والدینی‌شان عمل می‌کنند اشاره به رفتارهای فرزند پروری دارد و رفتارهای غیر مرتبط با هدف‌های والدینی است که شامل ژست‌ها، تغییر در تن صدا یا بیان هیجان‌های غیرارادی می‌باشد. در واقع فرزند پروری فعالیتی پیچیده و در بر گیرنده رفتارهای خاصی است که فرزند را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

الگوهای فرزند پروری

در معرفی سبک فرزند پروری می‌توان به معرفی انواع الگوهای فرزند پروری در بین روانشناسان اشاره نمود از جمله مهم‌ترین این الگوها به شرح زیر است:

الگوی آدلر^۲

یکی از نظریه پردازان سبک‌های فرزند پروری آلفرد آدلر است. استین^۳ (۲۰۰۲)، به نقل از صیاد شیرازی، (۱۳۸۲) مواردی را به دیدگاه او [آدلر] افزوده و تقسیم‌بندی به شرح زیر ارائه داده است:

۱. **سبک آزادمنش و امیدبخش:** والدین در این سبک منحصر به فرد بودن کودک را قبول دارند. احساس عمیق احترام و مساوات را به او عرضه می‌کنند. کودک را تشویق می‌کنند که خطای خود را تصحیح کرده و توانایی‌های خود را گسترش دهد، کودک را راهنمایی می‌کنند تا اهمیت همکاری را دریابد.

۱ Ward, A. J.

۲ Adler

۳ Stein

۲. **سبک بسیار آسان‌گیر:** والدین، هدایا و مزایا و امتیازات زیادی را بر سر کودک می‌ریزند ولی توجهی به نیازهای اصلی او ندارند. کودک در چنین محیطی کسل و بی‌تفاوت است و ابتکار و خودانگیزگی خود را از دست می‌دهد.
۳. **سبک بسیار مطیع:** والدین تسلیم آرزوها، خواسته‌ها و امیال کودک می‌شوند. والدین نمی‌توانند به کودک نه بگویند. کودک در چنین محیطی به راحتی حقوق دیگران را نادیده می‌گیرد و هیچ محدودیتی را نمی‌شناسد.
۴. **سبک بسیار جدی:** والدین دائماً بر رفتارها و اعمال کودک نظارت دارند. دائماً در حال دستور دادن هستند، بسیار سخت‌گیر بوده و تمایل دارند کودک را تعلیم دهند. در این حالت این احتمال وجود دارد که کودک منفعلانه از دستورات اطاعت کند و یا لجاجت ورزد و یا منفعلانه مقاومت کند که نشانه‌های آن تنبلی، خیال‌بافی کردن و فراموش کاری است که منجر به نافرمانی می‌شود.
۵. **سبک کمال‌گرا:** والدین هنجارهای بسیار بالایی دارند و تنها در صورتی کودک را قبول دارند که عملکردش مطابق استانداردهای آن‌ها باشد. کودک بیش از حد تلاش کرده ولی نمی‌تواند هنجارها را برآورده کند، در نتیجه احساس بی‌ارزشی می‌کند.
۶. **سبک بسیار مسئول:** به دلایل مختلف از قبیل شرایط اقتصادی، فوت یا بیماری ممکن است یکی از والدین مسئولیت‌های سنگین را بر عهده کودک بگذارد. کودک ممکن است مسئولیت‌ها را با دلخوری بپذیرد و از بازی‌های راحت و طبیعی دوران کودکی محروم شود.
۷. **سبک بی‌توجه:** والدین اغلب مشغله فراوان دارند یا نیستند، هیچ کس محدودیتی قرار نمی‌دهد. والدین نمی‌توانند با کودک روابط صمیمی برقرار کنند.

۸. **سبک طرد کننده:** هر نوع پذیرش را طرد کرده و با کودک به عنوان یک فرد مزاحم رفتار می‌کنند. این رفتار می‌تواند از ازدواج اجباری یا داشتن کودک ناقص ناشی شود. کودک به خود به عنوان یک فرد تنها و ناتوان می‌نگرد و از احساس بی‌ارزشی رنج می‌برد.

۹. **سبک تنبیهی:** اغلب با اعمال فشار زیاد و کمال‌گرایی همراه است. تنبیه بدنی اغلب برای برقراری نظم به کار می‌رود و ممکن است والدین عصبانیت شخصی خود را بر سر کودک خالی کنند. کودک هم به فکر انتقام‌گیری است و ممکن است احساس گناه نماید.

۱۰. **سبک خود بیمار انگارانه:** جو خانه مضطرب و ترسناک است. کودک ممکن است به خاطر مسئله‌ای جزئی در خانه بماند و به مدرسه نرود. احساس محدودی که از طرف والدین خود دریافت می‌کند باعث می‌شود درباره علائم خود اغراق کند.

۱۱. **سبک از نظر جنسی تحریک کننده:** والدین ممکن است در حین حمام کردن کودک را نوازش کنند و یا اینکه کودک را با خود به رختخواب ببرند. با کودک همانند وسیله شهوانی کوچکی رفتار می‌شود و کودک زودتر از موعد با مسائل جنسی رو به رو می‌شود. کودک باید رازدار باشد و اغلب شاکمی و پریشان است و احساس گناه می‌کند (ابراهیمی، ۱۴۰۰).

الگوی شیفر^۱

شیفر (۱۹۹۳)، با مطرح کردن ابعاد گرمی/ سردی/ و آزادی/ کنترل، یک الگوی فرضی در مورد روابط والدین-کودک ارائه داده و آن را به چهار دسته تقسیم می‌کند:

۱. **والدین با محبت و آزاد گذارنده:** این والدین کسانی هستند که معمولاً به عنوان والدین نمونه شناخته می‌شوند. کودکان آن‌ها دارای استقلال بوده و رفتار اجتماعی

1 Schaefer